

## خرافات مقدس

در دل خصم چشم ببینا کور شد ه  
در شبستان سیه محصور شد ه  
بر تلا فیف و تعاریج د ماغ  
سایه بال افکنده و مستور شد ه

**ریزه خواران شب یغماگری**  
جامعه ای مدنی منظور شد ه  
کاسه ای بشکسته سفالگران  
جام کیمو غ ساغر فغفور شد ه

لوطیان سرخوش بازار بزم  
**آتش افروز نفاق شور شد ه**

**سامری ها، گو پرستان لعین**  
راجه و تزار و فغفور شد ه  
**شیخ د نیاخوار** فریب خلق را  
تاجر شهید و بهشت و حور شد ه

عاری از لطف است **اجیران چغل**  
تعصب ها سرکش و پرزور شد ه  
**جزد رستی از لطیف آباد غیر**  
بر نخیزد ، نوکر مامور شد ه

اهرمن کیش و سیه پندار بود  
گرچه در لاف و پتاق مغرور شد ه  
این خزف مقدار خرمهره بود  
گرن خاک لعلزاد مغرور شد ه

دست اغیار است زوردست شان  
صارم تیرزی چون ساطور شد ه  
**پیش وجدان حقیقت هست رهین**  
چون نبا شان همد م قیور شد ه

غین در جیب دارد و فتنه به سر  
خادم دین گشته و محجور شد ه  
دست اغیار است در تارنواش  
پر صدا چون کاسه طنبور شد ه

گه طنین صوت فرها دی کشد  
خسروان را نوکر و ما مور شد ه  
**از طفیل لطف این نا مرد مان**  
زخم خونچکان ما ناسور شد ه

پایبوس چکمه ای ظلم و ستم  
این ستم کیشان مشکور شد ه  
غیرتی در رکنتزار فتنه نیست  
ارچه آتشرآ چو کوه طور شد ه

سود جویان نان خود را می پزند  
فتنه خواهان داغ از تنور شد ه  
این پروژه های شقاق و نفاق  
طرح مغزام شش و منظور شد ه

**" بد ما بهتر ز خوب د یگران "**  
مغزهای مرده را کافور شد ه  
در **خرافات مقدس** هست غرق  
**ملت بی چاره ای معذور شد ه**

**نیست از گند اب قوم خواهی نجات**  
**بی حریق خانه ای زنبور شد ه**  
یا به پا خیز یا بمیر در دام صید  
ای اسیر ذلت مجبور شد ه

تا نخیزی زیر باری همچو کوه  
**باربر** ای محمل مجبور شد ه  
خیز یریا بار از د وشت فگن  
ای زدست بولهب ها چور شد ه

" کس نخارد پشت تو جز ناخنت "  
ای ا سیر نا توی ناطور شده

عمرها شد می نمی جنبی زجا ی  
از کها لت خسته ونا جور شده

**ناحی نیست درجهان سود پرست**  
ناجی خود ملت غیور شده

ماد رای خواهرای شعر جهان  
د **رحجاب بو لهب** مستور شده

چون شود آزاد کشور از قبیود  
می شوی آزاد ای مقهور شده

ناتو = نادرست، خیانتکار، ناسازگار  
2016/8/15